

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
 تاریخ: ۲۶ آبان ۱۴۰۰
 موضوع جزئی: آیه ۴۱ _ ارتباط آیه با آیات قبل و بعد _ مفردات آیه _ مصادف با: ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۴۳
 بخش های چهارگانه _ بخش اول _ ۱. «آمنوا» _ ۲. «ما أنزلت»
 جلسه: ۱۶

﴿الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین واللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

آیه ۴۱

آیه ۴۱: «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَكَأَنَّ تَكُونُوا أَوْلَىٰ كَافِرٍ بِهِ وَكَأَنَّ تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِنِّي فَاتَّقُونَ».

میفرماید به آنچه که من نازل کرده ام و مصدق آن چیزی است که همراه شماست، ایمان بیاورید و شما اولین کافر به آن نباشید. آیات من را به ثمن بخش نفروشید و تنها و تنها از من پرهیز کنید (یعنی درباره من پرهیز کنید).
 اینکه ما ترجمه این آیه را به این شکل ارائه کردیم، برای این بود که در بخش های مختلف این آیه اختلاف است. مثلا در مورد «ما أنزلت» بحث است که چیست. یا منظور از اولین کافر چیست. لذا یک ترجمه بسیار کلی از این آیه ارائه شد.

این آیه مشتمل بر دو امر و دو نهی است. امر در ابتدای آیه و انتهای آیه آمده. «آمنوا» در اول آیه و «فاتقون» در آخر آیه. دو نهی هم در وسط آیه آمده «لا تکنوا» و «لا تشتروا». لذا آیه در واقع متضمن دو امر و دو نهی است.

ارتباط آیه با آیات قبل و بعد

ارتباط این آیه را با آیه قبل اگر بخواهیم در یک جمله بیان کنیم، به ضمیمه آیات بعدی که البته خواهد آمد، تفصیل آن چیزی است که در آیه قبل گفته شد. در آیه قبل سخن از یادآوری نعمت ها و وفای به عهد بود. به صورت کلی فرمود نعمت هایی که من به شما عطا کردم را به یاد بیاورید. به عهد من وفا کنید. از اینجا به بعد خداوند تبارک و تعالی شروع به بیان آن نعمت ها و عهد ها کرده است که آن نعمت هایی که به شما دادم و عهدی که شما با من داشتید کدام است. امهاتش را در این آیه و آیه بعد ذکر می کند و پیمان شکنی هایی که آن ها نسبت به عهد داشتند را مورد اشاره قرار می دهد. این یک ارتباط کلی که بین این آیه و آیات بعدی است. یعنی آیه ۴۰ و ما بعد ۴۰.

اما به طور خاص اینجا یک مطلبی را در رابطه با عامه بنی اسرائیل و یک مطلبی درباره علمای بنی اسرائیل و خصوصا یهود ذکر می کند. آیه ۴۲ که بعد از این آیه آمده: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ»، در واقع خطاب به علمای بنی اسرائیل است که حق را کتمان نکنند. اما قبلش به صورت کلی درباره همان نعمت ها و عهد هایی که آن ها با خدا داشتند، امری کلی دارد.

قبل از اینکه به تفسیر این آیه بپردازیم، طبق معهود و معمول، مفردات آیه را شرح می دهیم. ارتباط این آیه با آیات قبل را هم بیان کردیم.

مفردات آیه

در مورد مفردات این آیه، واژه ای که نیاز به بیان داشته باشد نیست. تنها لفظی که بد نیست اشاره ای به معنای آن شود، «اشترأ» است. «ایمان» یا «أَنْزَلْتُ» یا «مُصَدِّقًا» از نظر خود واژه احتیاج به توضیح ندارند، هرچند در مقام تفسیر باید آن‌ها را شرح دهیم.

«اشترأ» به حسب معنای لغوی به معنای خریدن است، اما در معنای فروش هم زیاد استعمال می‌شود. اشترأ به، همراه باء که هم در لغت اینچنین استعمال می‌شود و هم در قرآن به این معنا آیات متعدد داریم. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» به معنای خریدن است. اما آیاتی مثل «لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي» یا «لَا تَشْتَرُوا بِأَنْفُسِكُمْ»، آیه ۷۹ سوره بقره، آیه ۱۷۷ سوره آل عمران، آیه ۴۴ سوره مائده، آیه ۹۵ سوره نحل و... همگی از آیاتی است که اشترأ در آن‌ها به معنای بیع استعمال شده است. آنجا هم که می‌فرماید: «لَا تَشْتَرُوا»، آئی لا تبیعوا. تنها واژه ای که لازم بود بیان شود همین بود و الا بقیه واژه‌ها نیاز به بحث و توضیح ندارند.

بخش‌های چهارگانه

در خود آیه ۴۱ چهار بخش وجود دارد:

بخش اول

۱. «آمنوا»

بخش اول «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ» است. سخن در این است که «آمنوا» که امر به ایمان کرده، به چه کسانی خطاب کرده است؟ در اینجا دو احتمال وجود دارد.

احتمال اول: یک احتمال این است که بگوییم عموم بنی اسرائیل اعم از توده‌ها و عالمان مخاطب این خطاب اند؛ خداوند دارد به بنی اسرائیل می‌گوید ایمان بیاورید. مخاطب امر به ایمان، بنی اسرائیل است. بر این احتمال شاید قرائن و شواهدی هم بتوان ذکر کرد:

۱. یکی اینکه «آمنوا» عطف به «اذکروا» در آیه قبل شده است. فرمود: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي...»، اینجا هم «آمنوا» عطف به آن است. ابتدا یک جمله ای گفته و بعد بقیه را به هم عطف کرده است. در «اذکروا» چون خطاب به بنی اسرائیل بود، اینجا هم مخاطب همان است؛ یعنی کآن می‌گوید: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي... و آمنوا».

۲. مؤید دوم «مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ» است. یعنی می‌گوید ایمان بیاورید به چیزی که بر شما فرو فرستادم که این مصدق چیزی است که بر شما فرو فرستادم. «لَمَا مَعَكُمْ» یعنی کتاب تورات و اگر بخواهیم وسیع تر بگوییم، و انجیل. کتاب تورات همراه بنی اسرائیل بود و اگر مسیحیان را هم در بر بگیرد، این دو کتاب مربوط به یهودیان و مسیحیان بود و در دست همگان

بود. می‌گوید ایمان بیاورید به چیزی که فرو فرستادم که تصدیق کننده چیزی است که همراه شما است. لذا نمیتوان گفت «مصدقاً لما معکم» فقط مختص عالمان یهود یا مسیح است.

پس به این دو جهت چه بسا بتوان گفت «آمنوا» خطاب به توده بنی اسرائیل و عامه بنی اسرائیل است.

احتمال دوم: یک احتمال دیگری هم در اینجا قابل ذکر است که مختص عالمان آنها است. به دنبالش هم «لا تكونوا أولی کافر» یا «لا تشتروا» فرمود که طبق بعضی از احتمالات مختص عالمان است. آن را ما باید بعداً بررسی کنیم که آیا «لا تكونوا» و «لا تشتروا» اختصاص به عالمان دارد یا خیر.

آنچه که اینجا می‌توان گفت، مخاطب «آمنوا» همه بنی اسرائیل است که هم شامل عالمان می‌شود و هم مردم عادی. و تورات و انجیل هم تنها نزد عالمان و دانشندان آنها نبوده، بلکه در اختیار همه بوده است. لذا معنای «آمنوا» مشخص است.

۲. «ما أنزلت»

سپس خدا دستور می‌دهد به «ما أنزلت»، اما منظور از «ما أنزلت» چیست؟

احتمال اول: به حسب ظاهر به نظر میرسد «ما أنزلت» یعنی قرآن. چون:

اولاً: مسئله نزول کثیراً در مورد قرآن به کار رفته است. آنچه که خدا از آسمان برای مردم فرو فرستاده است قرآن است. ثانیاً: در برخی از آیات قرآن خود خداوند تبارک و تعالی این کتاب را با این وصف توصیف کرده است: «نَزَّلَ عَلَیْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ». وقتی که با این وصف خداوند تبارک و تعالی قرآن را توصیف کرده است، کأن معنای آیه هم همین است که ایمان بیاورید به قرآن. بنابراین «ما أنزلت» ظهور در قرآن دارد.

احتمال دوم: لکن برخی احتمال دادند که این اعم از کتاب و رسول است؛ یعنی ما هم کتاب را فرو فرستادیم و هم رسول را و هر دوی این‌ها تصدیق کننده اند برای «ما معکم». البته این مطلب مبتنی بر تعبیری است که در مورد پیامبر هم گاهی به کار رفته است. در برخی از آیات مثلاً در مورد پیامبر اینطور آمده است: «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ». در اینجا رسول به عنوان یک فرد و مصداق «ما أنزل الله» بیان شده است. چون در مورد رسول هم در قرآن تعبیر «أَنْزَلَ اللَّهُ» آمده، لذا «ما أنزلت» هم میتواند شامل رسول خدا باشد.

ولی شاید این احتمال قابل قبول نباشد، چون در آیه می‌گوید «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا»؛ بعد می‌گوید «رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ». اینجا دیگر معلوم نیست که دیگر «أَنْزَلَ» برای رسول به عنوان عامل باشد، احتمال دارد عامل دیگر و مقدری وجود داشته باشد که بگوید خداوند ضمن اینکه برای شما نازل کرد و کتاب فرستاد، رسولی را هم فرستاد که آن را برای شما تلاوت کند؛ یعنی متعلق رسول مثلاً «أَرْسَلَ» باشد.

بنابراین شاید احتمال اول اولی باشد. «والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره طلاق، آیه ۱۰ و ۱۱.